

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۸

هزار و سیصد و هشتاد و نه - نیمسال دوم

مقالات

- تأملی بر گستره محکومیت‌های مؤثر کیفری و نوع تأثیر آنها
- حقوق دفاعی متهم در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری
- تمیز خوانده دعوا
- تحلیل حقوقی حمایت‌های درمانی سازمان تأمین اجتماعی
- موضوع ویژه: حق شهروندان به برخورداری از محیط زیست سالم با تأکید بر مسأله آلودگی کلان‌شهرهای ایران
- پایش حمل‌ونقل شهری و کاهش آلودگی هوا: مطلوب زیست‌محیطی کلان‌شهرها
- تعهد به همکاری بین‌المللی در مقابله با هجوم ریزگردها به ایران
- مقابله با آلودگی‌های ناشی از امواج الکترومغناطیسی در کلان‌شهرها
- آلودگی هوای تهران و حق شهروندان بر محیط زیست سالم
- تأثیر نظام حقوق مالکیت فکری بر آلودگی کلان‌شهرها
- نفع عمومی در دعاوی زیست‌محیطی: رویه دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر و محاکم ملی
- حق برخورداری از محیط زیست سالم در دام گرمایش جهانی: اجلاس کنکان مکزیک (۲۰۱۰)
- حق برخورداری از محیط زیست سالم در حقوق فرانسه
- نقد و معرفی
- گروه منفعت اقتصادی در قانون برنامه پنجم توسعه





تأثیر نظام حقوق مالکیت فکری بر آلودگی کلان‌شهرها

دکتر محسن صادقی*، صادق شمشیری**

چکیده: صنعتی شدن جوامع بشری در کنار مزایای فراوان خود، چالشها و معضلات بسیاری را به همراه داشته که آلودگی کلان‌شهرها نمونه بارز آن است. برای تقلیل این مشکل، سیاست‌گذاران کشورهای مختلف در سطح داخلی و بین‌المللی، مدتهاست به شناسایی عوامل مرتبط با این بحث و اتخاذ سیاستها و تصمیمات متعدد مبادرت ورزیده‌اند. در میان این عوامل، حقوق مالکیت فکری با توجه به نظام و آثار خاص خود، دارای اثری دوسویه بر آلودگی کلان‌شهرهاست یعنی از یکسو می‌تواند باعث کاهش و از سوی دیگر موجب افزایش آلودگی گردد. از این‌روست که دبیرکل جدید واپسو در سال ۲۰۰۹، پرداختن به این موضوع را مورد تأکید قرار داده است. به رغم این اهمیت، تاکنون در ادبیات حقوقی ما به این بحث پرداخته نشده است، لذا این مقاله برای رفع نسبی این خلأ تحقیقاتی و پاسخ به این پرسش که حقوق مالکیت فکری چگونه می‌تواند باعث کاهش یا افزایش آلودگی کلان‌شهرها شود، در دو بخش اصلی تقسیم ارائه می‌شود: در بخش نخست، دلایل پیوند مقوله مالکیت فکری با آلودگی کلان‌شهرها و در بخش دوم، مصادیق تأثیر مالکیت فکری بر آلودگی مزبور، مورد بررسی تحلیلی و تطبیقی قرار می‌گیرد.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و پژوهشگر گروه مطالعات و پژوهش‌های حقوق اقتصادی و بازرگانی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
نویسنده‌دار مکاتبات
sadeghilaw@ut.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق مالکیت فکری دانشگاه تهران
sshamshiri@ut.ac.ir

در پایان مقاله نیز توصیه‌های سیاستی کاربردی به قانونگذار، سیاست‌گذاران و دستگاه‌های اجرایی کشور در زمینه مالکیت فکری پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: آلودگی کلان‌شهرها، حقوق مالکیت فکری، اختراع، اثر تقلیلی، اثر تشدید، سیاست‌گذاری

درآمد

غالب فعالیت‌های بشری به شمشیری دو لبه می‌ماند که در کنار تسهیل زندگی انسان، خطرات و پیامدهای بی‌شماری را برای وی به ارمغان آورده است. صنعتی شدن جوامع، مصداق بارز این شمشیر دو لبه است زیرا هم بر رفاه و نحوه زندگی اثری مثبت و غیرقابل انکار گذارده است و هم بشر امروزی را با چالشی به نام آلودگی کلان‌شهرها و پیامدهای منفی آن نظیر تغییرات آب و هوایی^۱ روبه‌رو ساخته است. منظور از تغییرات آب و هوایی، تغییر آب و هوا در نتیجه چرخه طبیعی فصول نیست بلکه مراد، بر هم خوردن ترکیبات و تعادل در توالی و میزان تغییر دماست که به طور مستقیم و غیرمستقیم از فعالیت‌های انسان ناشی شده^۲، روزبه‌روز در حال تشدید بوده و به زیانهای زیست‌محیطی از جمله آلودگی کلان‌شهرها منتهی گردیده است.

از سالها پیش گروه‌های مختلف حامی محیط زیست، سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای سراسر جهان در قالب نشست‌ها و اجلاسهای گوناگون در پی شناسایی عوامل مؤثر بر این آلودگی‌ها و تلاش برای کاهش آن بوده‌اند که این تلاشها به تهیه و اجرایی شدن چند سند بین‌المللی نیز منجر گردیده و در خلال مقاله به برخی از آنها اشاره می‌شود. برخی از این عوامل، از زمان انقلاب صنعتی وجود داشته‌اند اما تحولات حقوقی و اقتصاد سیاسی جدید، پای عوامل نوینی را به میان کشیده است که نظام حقوق مالکیت فکری، یکی از آنهاست. این نظام، از آنجا که اعطا کننده یک سلسله حقوق انحصاری به صاحبان فناوری‌ها و اموال فکری است، از یکسو مشوق مبتکران و مخترعان برای ابداع فناوری‌های دوستدار محیط زیست^۳ و گسترش آنها بوده و از سوی دیگر، با ایجاد انحصار برای کشورهای تولیدکننده این فناوری، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را از مزایای آن محروم ساخته است. اثر دوسویه نظام مالکیت فکری بر میزان آلودگی کلان‌شهرها، باعث بروز چالشهای متعدد میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شده و از این‌رو،

1. Climate Changes

۲. سید قاسم زمانی، «اجلاس کپنهاک (۲۰۰۹) و ضرورت مقابله با تغییرات آب و هوایی»، مجله پژوهش‌های

حقوقی، ش ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۴۳۹.

3. Climate-Friendly Technologies

دبیرکل جدید سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)^۴ در سال ۲۰۰۹، بررسی این موضوع را یکی از چالشهای پیش روی سازمان دانست و بر بررسی دقیق ابعاد آن تأکید کرد. در چنین شرایطی و با توجه به تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم مالکیت فکری بر آلودگی کلان‌شهرها، نوع سیاست‌گذاری کشورمان- به عنوان کشوری در حال توسعه- در قبال این موضوع بسیار حائز اهمیت است چرا که اولاً: چالش مزبور دارای ابعاد جهانی بوده و از این حیث، حتی از چالشهایی مانند دسترسی به دارو که دارای بعد ملی هستند نیز اهمیت و حساسیتی فزونتر دارد؛ ثانیاً: با توجه به وجود چندین کلان‌شهر آلوده در ایران نظیر تهران و با عنایت به الحاق احتمالی ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO)^۵ و پذیرش تعهدات موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)^۶، نوع سیاست‌گذاری مناسب و کارا در برابر حمایت یا عدم حمایت از فناوری‌های مفید و مضر داخلی و خارجی متعلق به سایر اعضای سازمان، بسیار تعیین‌کننده است.

به رغم این اهمیت، تاکنون در ادبیات حقوقی کشورمان مقاله‌ای به این موضوع کلیدی نپرداخته است.^۷ لذا نویسندگان این مقاله با توجه به نتایج کاربردی این موضوع و رفع نسبی این خلأ پژوهشی، درصدد طرح و پاسخگویی این پرسشها هستند که حقوق مالکیت فکری چگونه می‌تواند باعث کاهش یا افزایش آلودگی کلان‌شهرها شود؟ و سیاست‌گذاری‌های بایسته کشورهای در حال توسعه در قبال این تحول جدید کدامند؟ نوشتار حاضر، در دو بخش ارائه می‌شود: در بخش نخست، دلایل پیوند مقوله مالکیت فکری با آلودگی کلان‌شهرها و در بخش دوم، مصادیق تأثیر مالکیت فکری بر آلودگی مزبور، مورد بررسی تحلیلی و تطبیقی قرار خواهد گرفت. در پایان مقاله نیز توصیه‌های

4. World Intellectual Property Organization (WIPO)

5. World Trade Organization

6. Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs Agreement)

۷. در نوشته‌های حقوقی فارسی، مقاله آقای دکتر سید قاسم زمانی تحت عنوان «اجلاس کپنهاک (۲۰۰۹) و ضرورت مقابله با تغییرات آب و هوایی»، به بحث آلودگی‌های هوا پرداخته‌اند، با اینحال این مقاله محدود به اجلاس کپنهاک بوده و موضوع از زاویه مالکیت فکری بررسی نشده است؛ آقای دکتر محسن عبداللهمی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تغییرات آب و هوایی: تأملی بر راهبردها و تدابیر حقوقی سازمان ملل متحد» نیز به بحث آلودگی‌های هوا توجه‌ای کوتاه داشته‌اند با اینحال مقاله مزبور نیز چنانکه از نامش پیداست، به تدابیر سازمان ملل محدود بوده و بحث مالکیت فکری در آن موردنظر نویسنده محترم نبوده است. آقای دکتر حمید عزیزی مرادپور، در رساله دکترای خویش در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تحت عنوان «سازوکارهای موجود در حوزه سیاست عمومی دولتها در نظام بین‌المللی حق اختراع»، در حد چند صفحه و بسیار محدود، به رابطه حق اختراع و تغییرات آب و هوایی پرداخته‌اند، با اینحال مطالب مزبور به حق اختراع محدود شده و تقریباً فاقد راهکار روشنی برای سیاست‌گذاران حقوق مالکیت فکری در ایران است. بر این اساس، مقاله حاضر مقاله‌ای جدید به نظر می‌رسد.

سیاستی به سیاست‌گذاران مالکیت فکری در ایران ارائه خواهد شد. در خصوص گستره مقاله نیز، ذکر این نکته ضروری است که با توجه به تأثیر بیشتر نظام اختراع^۸، اسرار تجاری^۹، علامت تجاری^{۱۰} و رقابت مکارانه (غیرمنصفانه)^{۱۱} بر آلودگی کلان‌شهرها، از میان مصادیق مختلف مالکیت فکری، بر این چهار مصداق تأکید می‌کنیم.

بخش نخست: دلایل پیوند

حقوق مالکیت فکری با مقوله آلودگی کلان‌شهرها

ممکن است برای خواننده تیزبین این پرسش مطرح شود که اساساً حقوق مالکیت فکری با مقوله آلودگی کلان‌شهرها چه ارتباطی دارد؟ به تعبیر دیگر، مبانی این پیوند ریشه در چه عواملی دارد؟ بی‌شک، ارائه پاسخ مناسب به این پرسش می‌تواند در درک بهتر مطالب بخش دوم مقاله، مفید باشد؛ از این رو، بخش نخست مقاله را به این موضوع اختصاص داده‌ایم. به طور کلی از میان عوامل متعددی که باعث پیوند میان این دو مقوله شده است، می‌توان تأثیر چهار عامل را اساسی‌تر دانست: یک-صنعتی شدن جوامع بشری و جهانی شدن اقتصاد؛ دو- پیدایش موافقتنامه ترپیس؛ سه- توجه به این مقوله در اسناد بین‌المللی؛ و چهار-توجه به این موضوع در آرای محاکم. در ادامه و در قالب چهار بند، این عوامل را بررسی خواهیم کرد:

بند یک- صنعتی شدن جوامع بشری و جهانی شدن اقتصاد^{۱۲}

نقطه شروع صنعتی شدن جوامع را از زمان بروز انقلاب صنعتی دانسته‌اند. این انقلاب پیامدهای زیست‌محیطی بسیاری به همراه داشت چرا که فعالیتهای انسان را به سمت استفاده از دستگاهها و خودروهای دارای سوخت فسیلی سوق داد. گزارش کارگروههای تخصصی گروه بین‌الدولی راجع به تغییرات آب و هوایی^{۱۳} نیز این پیامدها را تأیید کرده است. مطابق این گزارش، مهم‌ترین عامل تغییرات آب و هوایی، فعالیتهای انسان است که

8. Patent

9. Trade Secret

10. Trade Mark

11. Unfair Competition

12. Globalization of Economy

۱۳. گروه بین‌الدولی راجع به تغییرات آب و هوایی (Intergovernmental Panel on Climate Change) در سال

۱۹۸۸ توسط سازمان هواشناسی جهانی و برنامه محیط زیست سازمان ملل تأسیس شد و هدف از آن تهیه منبعی مشخص از اطلاعات مربوط به تغییرات آب و هوایی برای سیاست‌گذاران و دیگر علاقه‌مندان بوده است. در سال ۲۰۰۷، این گروه جایزه صلح نوبل را دریافت نمود.

۹۰ تا ۹۹ درصد مربوط به آزادسازی گازهای گلخانه‌ای است و اینکه مقدار این گازها از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۴ به میزان ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده است.^{۱۴} از این‌رو، این کارگروه‌ها راه‌های زیر را به منظور بهتر نمودن وضعیت تغییرات آب و هوایی پیشنهاد دادند: تغییر در سبک زندگی انسانها، پیشرفت در فناوری، ارتقای زیرساختهای مربوط به انرژی و کارآمدی در تولید و مصرف انرژی.^{۱۵}

پس از انقلاب صنعتی، پدیده‌ای به نام «جهانی شدن اقتصاد»^{۱۶}، میزان آلودگی کلان‌شهرها را تشدید کرد. جهانی شدن اقتصاد با اوصافی چون آزادسازی تجارت و افزایش بازرگانی و مبادله کالاها و خدمات در سطح بین‌المللی، جهانی شدن تولید، گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)^{۱۷}، ادغام^{۱۸} روزافزون اقتصادهای محلی در سطح جهان و ظهور گردش عظیم مالی در آن سوی مرزها^{۱۹}، شناخته می‌شود و نخستین موج آن، در حد فاصل سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴ با افزایش حمل و نقل بین‌المللی و کاهش نسبی تعرفه‌ها همراه بود که زمینه را برای گسترش بازار بین‌المللی کالا و خدمات تا حدودی مهیا کرد. موج دوم این فرایند، از اواخر دهه ۱۹۴۰ آغاز شد و تا دهه ۱۹۸۰ ادامه یافت.^{۲۰} نتیجه جهانی شدن اقتصاد در این سالها، همگرایی بیشتر کشورهای غنی و ایجاد زمینه برای تسلط اقتصادی بیشتر بر بازار کشورهای در حال توسعه و فقیر بود. شکل‌گیری موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)^{۲۱} و گسترش توافقات پس از آن، کاهش شدید موانع تعرفه‌ای و حذف تدریجی موانع غیرتعرفه‌ای کالاها، رقابت تجاری بین‌المللی را تشدید کرد. در چنین فضایی، نگاههای فعال در کشورهای صنعتی برای مواجهه با رقابت شدید، اقدام به ایجاد شرکتهای فرعی، نمایندگی‌ها و

14. John C. Dernbach and Seema Kakade, "Climate Change Law: An Introduction", *Energy Law Journal*, No. 1, 2008, pp. 4 & 5.

15. *Ibid*, p. 5.

۱۶. هر چند واژه «جهانی» بیش از چهارصد سال عمر دارد، اما استفاده از عبارت «جهانی شدن» از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. در سال ۱۹۶۱، فرهنگ اصطلاحات وبستر (Webster) برای نخستین بار این اصطلاح را تعریف کرد و یک سال بعد، مجله اسپکتاتور، جهانی شدن را پدیده‌ای جدید و در حال تغییر سریع معرفی کرد. در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ این مفهوم به صورت جدی وارد فضای علمی شد و از آن پس استعمال آن، جهانی و رایج گردید. نگاهی به تحقیقات و نوشته‌های حاضر نیز نشان می‌دهد که فوران فعالیت‌های علمی در زمینه جهانی شدن، در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ می‌باشد (برگرفته از: محمد مهدی بهکیش، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۱).

17. Foreign Direct Investment

18. Integration

19. Nicola Acocella, *Economic Policy in the Age Globalization*, Cambridge: Cambridge U.P., 2005, pp. 31 & seq.

۲۰. سیف‌الله صادقی یارندی و مسعود طارم سری، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان

جهانی تجارت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲.

21. General Agreement on Trade & Tariff (GATT)

شعب متعدد کردند و این شرکتها را در کشورهای دیگر مستقر نمودند که امکان تولید ارزان‌تر محصولات را داشتند؛ در واقع، با محوریت یافتن تولید کالاها با قیمت ارزان‌تر و به دنبال کاهش نفوذ دولتها در هدایت و انتقال تکنولوژی، کشورهای صنعتی برای حفظ بازارهای تجاری خود، چاره‌ای جز حضور گسترده‌تر در کشورهای در حال توسعه نداشتند، به ویژه آنکه حضور در این بازارها، به ایشان این امکان را می‌داد تا با استفاده از نیروی کار ارزان‌تر، هزینه تولید خود را پایین آورده و از طریق کاهش قیمت تمام شده محصولات خود و جلب مشتری بیشتر، گوی رقابت در بازار را از رقبای دیگر برابند.

در این شرایط، افزایش تعداد شرکتهای چندملیتی یا فراملی متعلق به کشورهای سرمایه‌دار، منجر به افزایش چشمگیر تجارت جهانی شد و پدیده جدید «تولید جهانی» را به وجود آورد و باعث رشد شدید سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه شد که مشتریان همیشه ثابت ورود فناوری بودند. البته در این فرایند، اختراع فناوری‌های جدید همچنان در کشورهای توسعه‌یافته متمرکز ماند و با انتقال یافتن فناوری به کشورهای در حال توسعه، تنها امکان بهره‌گیری از فناوری برای این کشورها فراهم شد. گرایش کشورهای صنعتی به استفاده از نیروی کار ارزان‌تر و تولید در آن سوی سرزمین مادری، از ۱۹۸۰ به بعد بسیار تشدید شد و پیشرفتهایی که در فناوری ارتباطات رخ داد، زمینه این کار را بیش از گذشته تسهیل نمود. در این دوران، تطور تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از سطح ملی به سطح جهانی شدت یافت و سیاستهای ملی که تا پیش از این، در صلاحیت و نظارت تقریباً کامل دولتها بود، به نحو فزاینده‌ای تحت تأثیر و نفوذ شرکتهای بین‌المللی و چند ملیتی وابسته به کشورهای صنعتی قرار گرفت و این شرکتها به تدریج به بازیگران نخست عرصه اقتصادی - مالی بدل شدند.^{۲۲}

با گسترش جهانی شدن اقتصاد و فرا محلی شدن بازارها، دانش نیز به عاملی مهم در اقتصاد و یکی از ملاکهای ارزیابی ثروت و سرمایه شرکتها، بنگاهها و کشورها، تبدیل گشت و به تدریج ادبیات جدیدی تحت عنوان «اقتصاد دانش محور»^{۲۳} شکل گرفت. این موضوع، نقش و جایگاه حقوق مالکیت فکری و به ویژه اهمیت اقتصادی آن را بسیار برجسته‌تر از گذشته ساخت چرا که اولاً: یگانه ابزار حقوقی مناسب برای حمایت از این دانش و فناوری، نظام حقوق مالکیت فکری است^{۲۴}؛ ثانیاً: یکی از معیارهای مورد نظر کشورهای صنعتی برای انتقال فناوری به کشورهای متقاضی، میزان حمایت کشور میزبان از

۲۲. مارتین خور، جهانی شدن و جنوب، برخی مباحث انتقادی، ترجمه احمد ساعی، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۳،

صص ۱۰ بعد.

23. Knowledge-Based Economy

24. Suzanne Scotchmer, *Innovation and Incentives*, England: The MIT Press, 2004, p. 34.

مصادیق حقوق مالکیت فکری می‌باشد به طوری که تمایل کشورهای صنعتی به انتقال فناوری‌های مختلف، بیشتر متوجه کشورهایی است که حمایت از اموال فکری در آنجا بیشتر صورت می‌گیرد.^{۲۵} از این‌رو، در دهه ۱۹۹۰ برخی از کشورهای در حال توسعه با پذیرش اینکه حمایت از مالکیت فکری می‌تواند انتقال فناوری را افزایش دهد نظام حقوقی سخت‌تری برای مالکیت فکری در قالب معاهده تریپس پذیرفتند.^{۲۶} ثالثاً: کشورهای توسعه‌یافته، امتیازات اقتصادی ناشی از نظام مالکیت فکری خصوصاً حقوق انحصاری ناشی از آن را ابزاری کارا جهت افزایش قدرت انحصاری خود بر بازار کشورهای واردکننده می‌دیدند خصوصاً آنکه سهم عمده تولید فناوری و محصولات فکری در انحصار آنها بوده و هست. این انحصار، باعث شد تا کشورهای توسعه‌یافته، همچنان فناوری‌های دوستدار محیط زیست را در انحصار خود نگاه دارند. به طور خلاصه اینکه فرایند جهانی شدن اقتصاد، از یکسو، بازار کشورهای در حال توسعه را برای محصولات فکری کشورهای صنعتی با اهمیت‌تر ساخت و حقوق مالکیت فکری به عنوان ابزار حمایت از آفریده‌های فکری کشورهای توسعه‌یافته، جایگاه تجاری ویژه‌ای یافت و از سوی دیگر، گسترش تجارت و افزایش ورود ماشینها و دستگاههای صنعتی جدید به بازار کشورهای در حال توسعه، برای این کشورها امتیازاتی چون صنعتی‌تر شدن و اشتغال‌زایی را به ارمغان آورد و در عین حال، روز بروز بر تعداد کلان‌شهرهای آلوده آنها افزود زیرا بسیاری از صنایع وارداتی فاقد استانداردهای زیست‌محیطی بودند.

بند دو- پیدایش موافقتنامه تریپس

با گسترش تفکر اقتصاد جهانی، کشورهای توسعه‌یافته برای تقویت انحصار خود بر محصولات فکری به خصوص محصولات فکری دارای استانداردهای زیست‌محیطی، در تدارک یک سلسله مقررات جهانی الزام‌آور برآمدند که بعدها و با وجود مخالفت‌های شدید کشورهای در حال توسعه، در قالب موافقتنامه تریپس تبلور یافت.^{۲۷} این موافقتنامه که یکی از سه رکن اصلی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی را تشکیل داده^{۲۸} و در زمره

25. Keith E. Maskus, *The Role of Intellectual Property Rights in Encouraging Foreign Direct Investment and Technology Transfer*, in: *Intellectual Property and Development*, edited by: Castren Fink and Keith E. Maskus, Washington: World Bank, 2005, pp.41 & seq.

26. Cameron Hutchison, "Does TRIPS Facilitate or Impede Climate Change Technology Transfer into Developing Countries?", *University of Ottawa Law & Technology Journal*, Vol. 3, 2006, p. 521.

27. Carlos M. Correa and Abdulgawi A. Yusuf, *Intellectual Property and International Trade- the TRIPs Agreement*, Kluwer Law International, 1998, pp. 3-4.

۲۸. موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)، موافقت‌نامه‌های راجع به تجارت کالا و موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گتس)، سه رکن اصلی سازمان جهانی تجارت را تشکیل می‌دهند (برای مطالعه بیشتر در این زمینه، نک: اسفندیار امیدبخش، «از موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت تا سازمان جهانی

پیش شرطهای الحاق کشورها به این سازمان محسوب می‌شود، نسبت به اسناد بین‌المللی پیشین راجع به مالکیت فکری نظیر کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۸۸۳، دارای گستره بیشتر و ضمانت اجراهای خاص بود. تریپس در بند ۱ ماده ۲۷ خود، اعضا را مکلف کرده است که از اختراعات در تمامی رشته‌ها و بدون تبعیض حمایت کنند^{۲۹} و اطلاق این بند به گونه‌ای است که اعضا ملزمند از همه فناوری‌ها اعم از مفید یا مضر برای محیط زیست حمایت به عمل بیاورند و به صاحب حق، حقوقی انحصاری در ساخت و تکثیر و توزیع فناوری اعطا کنند. همچنین این حمایت باید برای مخترعان داخلی و خارجی به طور یکسان در نظر گرفته شود.

این الزامات بی‌سابقه، نگرانی‌هایی را برای کشورهای در حال توسعه و فقیر به همراه داشت زیرا آنها الزام به ثبت و حمایت مصادیق مختلف مالکیت فکری حتی فناوری‌های مضر برای آلودگی هوا را مغایر با حق بشری خود در برخورداری از محیط زیست سالم و داشتن هوای پاک می‌دانستند. از این رو، این کشورها در فرایند تنظیم موافقتنامه تریپس با این استدلال که این سند، بیش از آنکه جنبه‌های عمومی مالکیت فکری از جمله آثار زیست‌محیطی این حقوق را لحاظ کند، بر اهمیت اقتصادی و جنبه خصوصی آن تأکید ورزیده است، نگرانی‌های خود را ابراز داشتند. بر این اساس، تهیه‌کنندگان تریپس اقناع شدند که در کنار بند ۱ ماده ۲۷، در بند ۲ به کشورهای عضو اجازه دهند که از ثبت اختراعات مضر برای محیط زیست از جمله اختراعاتی که باعث تشدید آلودگی کلان‌شهرها می‌شود، خودداری ورزند^{۳۰}.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

تجارت»، مندرج در مجموعه: سازمان جهانی تجارت؛ ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵، صص ۳۷-۳.

۲۹. مطابق این بند: «... حق ثبت برای هرگونه اختراعی اعم از محصولات یا فرایندها در تمام رشته‌های فناوری وجود دارد ... ثبت و برخورداری از حق ثبت بدون تبعیض از لحاظ محل اختراع، رشته فناوری و اینکه محصولات وارد شده‌اند یا در محل تولید شده‌اند، وجود خواهد داشت.» (ترجمه، عیناً برگرفته از این منبع است: اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۵۰۴).

۳۰. مطابق این بند: «اعضا می‌توانند از اختراعات قابل ثبت، اختراعاتی را مستثنا سازند که ممانعت از استفاده تجاری از آنها در قلمروشان برای حفظ نظم عمومی یا اخلاق از جمله حفظ حیات یا بهداشت انسان، حیوان یا گیاه یا برای اجتناب از لطمه جدی به محیط زیست ضرورت دارد مشروط بر اینکه چنین استثنایی صرفاً به خاطر این نباشد که قانونشان چنین استفاده‌ای را منع کرده است.» (ترجمه به نقل از: همان).

بند سه - رد پای پیوند مالکیت فکری و آلودگی کلان‌شهرها در اسناد

بین‌المللی

یکی از عواملی که نشانگر پیوند مقوله مالکیت فکری با بحث آلودگی کلان‌شهرهاست، وجود برخی اسناد بین‌المللی در این زمینه است. این اسناد یا اسناد مرتبط با حقوق مالکیت فکری هستند که از مفاد ضمنی آنها می‌توان توجه تهیه کنندگان را به مقوله آلودگی هوا استنباط کرد و یا برعکس، اسناد زیست‌محیطی هستند که برخی مقررات آن با قواعد حقوق مالکیت فکری مرتبط است. صرف‌نظر از موافقتنامه تریپس که به دلیل اهمیت و ارتباط مستقیم با بحث، در بندی مستقل بدان پرداخته شد، اسنادی دیگری نیز بیانگر این پیوند هستند که در زیر به اهم این اسناد اشاره می‌شود:

۱- کنوانسیون چارچوب سازمان ملل در رابطه با تغییرات آب و هوایی^{۳۱}: این کنوانسیون در سال ۱۹۹۲ توسط ۱۹۲ دولت به امضا رسید و به عنوان مبنایی برای مذاکرات پیرامون موضوع تغییرات آب و هوایی پذیرفته شد و هدف آن نیز کاهش گازهای گلخانه‌ای ذکر گردید. هر چند در این سند به طور مستقیم به مالکیت فکری اشاره نشده است اما از آنجا که در آن برای تقلیل گازهای گلخانه‌ای، توصیه‌هایی در رابطه با انتقال فناوری از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه شده^{۳۲} و مباحث تولید و توزیع فناوری ارتباط مستقیم با حقوق مالکیت فکری دارد، لذا می‌توان این سند را نشانه‌ای از پیوند میان مالکیت فکری و مقوله آلودگی کلان‌شهری دانست.

۲- پروتکل کیوتو^{۳۳}: این پروتکل در سال ۱۹۹۷ برای تکمیل کنوانسیون سازمان ملل در مورد تغییرات آب و هوایی، با ۱۸۴ عضو کار خود را آغاز نمود که تعهداتی را بر کشورهای توسعه‌یافته به منظور کاهش آلاینده‌ها بار نمود. یکی از ویژگی‌های این کنوانسیون این است که به کشورهای توسعه‌یافته اجازه داده تا از ساز و کار مبتنی بر بازار یعنی از طریق سرمایه‌گذاری و تجارت به کشورهای در حال توسعه در مواجهه با بحران تغییرات آب و هوایی یاری رسانند^{۳۴}. در این کنوانسیون نیز مقوله مالکیت فکری مستقیماً

31. United Nations Framework Convention on Climate Change

برای دیدن متن کنوانسیون، نک:

<http://unfccc.int/resource/docs/convkp/conveng.pdf>; last visited: 13/10/2010

۳۲. نک: بندهای ۳ و ۷ و ۸ و ۹ ماده ۴ و بند ۱ ماده ۱۱ کنوانسیون.

۳۳. برای دیدن متن پروتکل، نک:

<http://unfccc.int/resource/docs/convkp/kpeng.html>; last visited: 13/10/2010

34. See: http://unfccc.int/press/fact_sheets/items/4978.php; last visited: 27/09/2010

محسن عبدالمهی، «تغییرات آب و هوایی: تأملی بر راهبردها و تدابیر حقوقی سازمان ملل متحد»، فصلنامه

حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۱، بهار ۱۳۸۹، صص ۲۰۶ تا ۲۱۱.

مورد اشاره نبوده اما در این سند، باز هم تضمین انتقال و توزیع فناوری از سوی کشورهای صاحب فناوری به کشورهای در حال توسعه به عنوان یکی از تعهدات مفصل کشورهای پیشرفته برای تقلیل گازهای گلخانه‌ای ذکر شده است.^{۳۵}

۳- اعلامیه دوحه: در سال ۲۰۰۱ و در نخستین نشست وزیران کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی پس از تشکیل این سازمان، اعلامیه معروفی به نام اعلامیه دوحه به امضا رسید و از آنجا که در این دور، به مباحث توسعه‌ای توجه ویژه شد و کشورهای در حال توسعه توانستند نکات قابل توجهی را در این اعلامیه بگنجانند، لذا این دور به «دور توسعه»^{۳۶} موسوم شد.^{۳۷} یکی از موضوعات مورد تأکید در این اعلامیه این بوده است که در تفسیر مواد تریپس، مواد ۷ و ۸ مورد توجه قرار گیرد. مطابق ماده ۷ این موافقتنامه، حمایت و اجرای حقوق مالکیت فکری باید در پیشرفت نوآوری فنی و انتقال و توزیع فناوری با نفع دوطرفه، تولیدکننده و استفاده‌کننده‌های دانش فنی مشارکت داشته باشد و این امر موجب رفاه اقتصادی و اجتماعی و تعادل حقوق و تعهدات شود. همچنین طبق بند ۱ ماده ۸، اعضا در تنظیم مقررات ملی خود در زمینه مالکیت فکری می‌توانند اقدامات لازم را برای گسترش منافع عمومی در بخش‌های حائز اهمیت حیاتی برای توسعه اجتماعی-اقتصادی و تکنولوژیک اتخاذ کنند مشروط بر اینکه اقدامات مزبور با این موافقتنامه منطبق باشد. بی‌گمان یکی از نمونه‌های اعتلای رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیز گسترش منافع عمومی کشورهای عضو در این است که حقوق مالکیت فکری در راستای تأمین محیط زیست سالم کشورها حمایت و اجرا شود نه آنکه خود به عاملی برای تشدید آلودگی کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه بدل گردد؛ آنچه امروزه به وضوح دیده می‌شود از این‌رو، بسیاری معتقدند که هرچند در کشورهای در حال توسعه، از لحاظ نظری دارنده حق اختراع با حمایت بیشتر و قوی‌تر از حقوق خود می‌تواند نفع ببرد اما از لحاظ عملی، در مرحله پژوهش و توسعه، توانایی و امکانات کشورهای در حال توسعه بسیار ضعیف و محدود است و اگر هم بخش پژوهش و توسعه فعال باشد بیشتر بر کپی‌برداری و یا توسعه فناوری‌های وارداتی متمرکز می‌باشد^{۳۸} و از طرفی واردات فناوری‌هایی که معمولاً پیشرفته‌تر از تولیدات داخلی کشورهای در حال توسعه است انگیزه‌های بخش پژوهش و توسعه را تضعیف می‌کند و در عمل تأثیر حمایت قوی از حقوق مالکیت فکری بر اقتصاد داخلی، به جای تقویت بخش پژوهش و توسعه به صورت تقویت بخش تقلید و توسعه خواهد بود.

۳۵. نک: بند ۱۴ ماده ۳ و بند ج ماده ۱۰ و شق ب بند ۲ ماده ۱۱ پروتکل کیوتو.

The Round of Development
37. Martin Khor, *The WTO's Doha Negotiation and Impasse: A Development Perspective*, Iran, Tehran, Institute for Studies and Trade, November 2006.
38. Cameron Hutchison, *op. cit.*, p. 528.

بند چهار- توجه به آلودگی کلان‌شهرها در رویه ادارات ثبت اختراع و آرای مالکیت فکری محاکم

تاکنون آرای متعددی از جانب ادارات ثبت اختراع و محاکم قضایی کشورهای مختلف صادر شده است که در پرونده‌های مربوط به حقوق مالکیت فکری، به اثرات مخرب زیست‌محیطی و از جمله آلودگی شهرها توجه شده است. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که پیوند میان این دو مقوله امروزی پیوندی غیرقابل انکار است. در اینجا به سه نمونه از آرای صادره به طور خلاصه اکتفا می‌شود:

در سال ۱۹۹۵، شخصی متقاضی ثبت یک سیستم ژنتیک گیاهی تحت عنوان اختراع و دریافت ورقه اختراع شد. اداره ثبت اختراع اروپا (EPO)^{۳۹} با این استدلال که ثبت این اختراع، با موازین حفظ محیط زیست مغایر بوده و زمینه نابودی بسیاری از گیاهان، و در نتیجه افزایش گازهای گلخانه‌ای و آلودگی هوا می‌شود، با ثبت آن مخالفت کرد. متقاضی نسبت به این تصمیم اعتراض کرده و مدعی شد که در کنوانسیون اروپایی ثبت اختراع (EPC)^{۴۰} مصوب ۱۹۷۳، عوامل زیست‌محیطی به عنوان مانع ثبت اختراع معرفی نشده‌اند. بعد از طرح موضوع در هیأت تجدیدنظر اداره ثبت اختراع اروپا، این هیأت، استدلال متقاضی ثبت را نپذیرفت و اینگونه استدلال کرد: علت آنکه در کنوانسیون اروپایی ثبت اختراع، محیط زیست مورد تصریح قرار نگرفته است بدین دلیل است که در زمان تصویب این سند یعنی سال ۱۹۷۳، محیط زیست به شکل امروزی آن مورد توجه قرار نگرفته بود چرا که شهرها و کلان‌شهرها هنوز اینگونه صنعتی نشده بودند و خطرات زیست‌محیطی تا این حد جدی نشده بود؛ وانگهی، عدم تصریح کنوانسیون، به منزله بی‌اعتنایی تهیه‌کنندگان آن نبوده است زیرا می‌توان با تفسیر منطقی برخی واژگان، عنایت کنوانسیون به محیط زیست را استنباط کرد. برای مثال، در بند الف ماده ۵۲ کنوانسیون، اختراعات مغایر نظم عمومی، غیرقابل ثبت اعلام شده‌اند. بی‌تردید، اختراعی که حیات گیاهان را به خطر انداخته و آلودگی‌های زیست‌محیطی را تشدید می‌کند، مصداق بارز اختراع مغایر نظم عمومی است.^{۴۱}

توجه اداره ثبت اختراع اروپا به بحث آلودگی زیست‌محیطی و به خصوص انتشار گازهای مضر باعث شد تا این اداره در بررسی قابلیت یا عدم قابلیت ثبت اختراعات، رویکرد نوینی را تحت عنوان رویکرد هزینه-فایده^{۴۲} بنا نهد. توضیح اینکه از یک‌سو این

39. European Patent Office

40. European Patent Convention

41. See: Plant Genetic System, T 356/93 EPO, 1995, p. 545.

42. Cost - Benefit Approach

اداره به استناد بند الف ماده ۵۲ کنوانسیون اروپایی ثبت اختراع، بنا را بر این گذاشت که از ثبت اختراعاتی که گازهای مضر منتشر می‌کنند، خودداری کند اما از سوی دیگر، بسیاری از اختراعات دارای حداقلی زیان زیست‌محیطی بودند و اگر بنا بود تنها اختراعاتی ثبت شوند که فاقد هرگونه زیان زیست‌محیطی باشند، درصد اختراعات قابل ثبت تا حد قابل توجهی تنزل می‌یافت لذا انگیزه بسیاری از مخترعان که درصدد ابداع دستگاههایی با درصد کمتری گاز مضر بودند، کاهش می‌یافت زیرا این اختراعات نیز دارای درصدی زیان زیست‌محیطی بودند. در این شرایط اداره مزبور برای رفع این تعارض، رویکرد هزینه-فایده را در پیش گرفت و با این رویکرد، به تحلیل اقتصادی حق اختراع^{۴۳} پرداخت یعنی از ثبت یک اختراع، چه پیامدهای مثبت یا منفی اقتصادی برای محیط زیست حاصل می‌شود.^{۴۴} بر این اساس، اداره ثبت اختراع تنها از ثبت اختراعاتی خودداری می‌ورزد که زیانهای زیست‌محیطی ناشی از ثبت آن، بیش از فواید آن باشد. به تعبیر دیگر، اگر کار کردن دستگاهی با تولید و انتشار گازهای مضر همراه باشد اما فواید ثبت آن بیشتر باشد (برای مثال، ثبت این اختراع، باعث تجاری شدن دستگاه مزبور و جایگزینی آن به جای دستگاههای فعلی خواهد شد که درصد آلودگی آنها بیشتر است)، این اختراع قابل ثبت خواهد بود. در هر حال، نیاز اداره ثبت اختراع اروپا به بنا نهادن این رویکرد، نشان از پیوند محصولات فکری و آلودگی ناشی از آن برای کلان‌شهرها دارد.

شخصی به نام فردین^{۴۵}، متقاضی ثبت اختراعی بود که دولت سوئد با مداخله خود، مانع ثبت آن در اداره ثبت اختراع اروپا شده بود. استدلال دولت سوئد آن بود که چون این اختراع، دارای میزان نامتعارفی گاز گلخانه‌ای و دی اکسید کربن بوده و با آلوده ساختن هوا، به محیط زیست سالم لطمه وارد می‌کند، لذا از شمول اختراعات قابل ثبت، مستثناست. فردین به بهانه نقض شدن حق بشری او در ثبت اختراع جدید و مداخله نابجای دولت، علیه دولت سوئد در دیوان اروپایی حقوق بشر طرح دعوا کرد. اما دیوان با رد اعتراض مخترع بیان داشت که حمایت از محیط زیست، به عنوان یک حق بشری دارای جنبه عمومی است و این جنبه عمومی به دولتها این اجازه را می‌دهد که در حقوق فردی مخترعان مداخله کنند و آن را محدود سازند؛ بنابراین، وجود قوانین حمایت از مالکیت فکری نمی‌تواند دولت را از اتخاذ اقدامات حمایت از محیط زیست باز دارد.^{۴۶}

43. Economic Analysis of Patent

44. William Cornish and David Liewlyn, *Intellectual Property*, 6th ed, London: Sweet & Maxwell, 2007, p. 21.

45. Fredin

46. Fredin v. Sweden, No. 1, app. No. 12033/86, 2005.

بخش دو: مصادیق تأثیر

مالکیت فکری بر میزان آلودگی کلان‌شهرها

چنانکه در مقدمه مقاله اشاره شد، قالبهای حق اختراع، اسرار تجاری، علامت تجاری و رقابت مکارانه، نسبت به سایر مصادیق حق مالکیت فکری، اثری محسوس‌تر بر میزان آلودگی کلان‌شهرها داشته‌اند؛ از این‌رو، مطالب این بخش را در قالب چهار بند، به این مصادیق اختصاص داده‌ایم:

بند یک - اثر قالب حق اختراع بر آلودگی کلان‌شهرها

از آنجا که آلودگی کلان‌شهرها عمدتاً در نتیجه فعالیتهای صنعتی انسانها حاصل شده و قالب اختراع، رایج‌ترین قالب مورد استفاده در این قبیل فعالیتهاست، لذا تأثیر نظام اختراع بر آلودگی کلان‌شهرها بیش از سایر مصادیق مالکیت فکری است؛ از این‌رو، نخستین بند از بخش دوم مقاله را به نظام اختراع اختصاص داده‌ایم.

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، نظام اختراع از یکسو باعث کاهش آلودگی و از سوی دیگر موجب افزایش آن شده است. در مواردی هم که اثر اختراع، اثری منفی است یعنی موجبات تشدید آلودگی را فراهم می‌سازد، برخی کشورهای در حال توسعه، با توجه به ساختار و ویژگی‌های قالب اختراع، توانسته‌اند سیاستهای کارایی را اتخاذ کنند تا اثرات منفی اختراع تقلیل یابد. بر این اساس، مطالب این بند را در سه قسمت زیر ارائه می‌دهیم: ابتدا اثرات مثبت (قسمت نخست) و سپس اثرات منفی اختراع بر آلودگی کلان‌شهرها (قسمت دوم) و در نهایت، سیاست‌گذاری‌های موفق برخی کشورها (قسمت سوم) را بررسی می‌کنیم.

قسمت نخست - آثار مثبت اختراع بر کاهش آلودگی کلان‌شهرها

مهم‌ترین اثرات مثبت اختراع در زمینه مورد بحث را می‌توان در تشویق به تولید فناوری و تسهیل توزیع فناوری دانست.

۱- مالکیت فکری و تولید فناوری

در صورتی که نظام اختراع وجود نداشته باشد، اولاً: بسیاری از فناوری‌های مضر برای محیط زیست به راحتی توسط عموم قابلیت تکثیر پیدا می‌کند؛ ثانیاً: مخترعان قبلی و نیز مبتکران جدید، انگیزه کافی برای تکمیل فناوری‌های پیشین و ابداع دستگاهها و ماشینیهایی

با درصد آلودگی کمتر را نخواهند داشت. برعکس وجود یک نظام اختراع، به مخترعان، یک سلسله حقوق انحصاری مادی و معنوی اعطا می‌کند که زمینه را برای بهره‌برداری کامل مالی و مادی از محصول فکری ایجاد می‌کند و از این طریق به نیازهای مادی دارندگان حقوق اختراع پاسخ می‌گوید و ایشان را به ابداع فناوری‌های سبز یا فناوری‌های مفید برای محیط زیست یا تکمیل نوآوری‌های موجود بیشتر تشویق می‌کند. کسب ثروت و قدرت در بازار از طریق در اختیار داشتن حق انحصاری، بزرگترین انگیزه برای سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش و توسعه است که موتور تولید دانش و فناوری است. در نتیجه، مالکیت فکری به طور عام و نظام اختراع به طور خاص را می‌توان یکی از عوامل مستقیم در افزایش تولیدات فناوری‌های صنعتی دوستدار محیط زیست سالم دانست.^{۴۷}

۲- مالکیت فکری و توزیع فناوری

مهم‌ترین راه توزیع فناوری در سطح بین‌المللی، انتقال قراردادی فناوری می‌باشد. در باب نقش حقوق مالکیت فکری و از جمله حق اختراع در انتقال فناوری از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه، نظرات گوناگونی ابراز شده است. عده‌ای بر این نظرند که حمایت از مالکیت فکری می‌تواند باعث تقویت انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه شود،^{۴۸} و اینکه صاحبان دانش و فناوری هنگامی به انتقال دارایی‌های فکری خود به کشورهای در حال توسعه اقدام خواهند ورزید که کشور مقصد دارای چارچوب‌های حقوقی لازم برای حمایت از دارایی‌های فکری باشد و همین حمایت، موجب تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاران و صاحبان دانش و فناوری به انتقال فناوری خود به آن کشورها می‌شود. این نظر بیشتر از طرف کشورهای توسعه‌یافته مطرح می‌شود. مخالفان که بیشتر کشورهای در حال توسعه می‌باشند نیز بر این عقیده‌اند که اصولاً مقوله انتقال فناوری رابطه‌ای با حقوق مالکیت فکری ندارد. از طرفی فناوری‌هایی که در سطح بین‌المللی انتقال می‌یابند دارای سطوح پیشرفته دانش می‌باشند به طوری که حتی اگر در کشور در حال توسعه‌ای که فناوری را وارد می‌نماید حقوق مالکیت فکری نباشد، عملاً امکان تقلید و تولید فناوری مشابه توسط کشور در حال توسعه وجود ندارد و چه بسا کشورهای در حال توسعه حتی نمی‌توانند فناوری وارد شده را بدون پشتیبانی خارجی عملیاتی نمایند. به نظر می‌رسد که

47. WIPO, "Climate Change and Intellectual Property System: What Challenges, What options, What Solutions an Outline of the Issues", available at http://www.wipo.int/export/sites/www/patentscope/en/lifesciences/pdf/ip_climate.pdf; last visited 13/10/2010, p.3.

48. International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD), *Climate Change, Technology Transfer and Intellectual Property Rights*, Canada, International Institute for Sustainable Development, 2008, p. 3.

دو طرف در توصیف نقش حقوق مالکیت فکری در انتقال دانش فنی یکطرفه قضاوت کرده‌اند و برخی از واقعیات را در نظر نداشته‌اند. هر چند این مبحث بسیار پیچیده می‌باشد اما به طور خلاصه می‌توان گفت که هر چند عوامل گوناگونی اعم از اقتصادی، سیاسی و حقوقی در بحث انتقال فناوری مؤثر می‌باشند و نمی‌توان مالکیت فکری را تنها عامل و یا حتی مؤثرترین عامل در انتقال فناوری در نظر گرفت، اما نمی‌توان تأثیر نظام حمایتی مالکیت فکری را در ترغیب کشورهای توسعه‌یافته به انتقال فناوری دوستدار محیط زیست به کشورهای میزبان سرمایه انکار کرد البته باید توجه داشت که نقش مالکیت فکری در سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری در سرمایه‌گذاری مستقیم با سرمایه‌گذاری غیرمستقیم متفاوت است زیرا در سرمایه‌گذاری مستقیم بر خلاف سرمایه‌گذاری غیرمستقیم، سرمایه‌گذار، عملاً در خطرات مربوط به سرمایه‌گذاری شریک می‌باشد و سرمایه خود را اعم از فکری و مادی در خطر قرار می‌دهد می‌توان گفت که حمایت از دارایی فکری سرمایه‌گذار در کشور سرمایه‌پذیر می‌تواند امنیت خاطر سرمایه‌گذار را تأمین نماید و از طرف دیگر، هزینه قرارداد را برای کشور سرمایه‌پذیر پایین آورد. در نتیجه می‌توان گفت که حقوق مالکیت فکری در رابطه با سرمایه‌گذاری مستقیم می‌تواند تأثیر مستقیم بر توزیع فناوری در سطح بین‌المللی داشته باشد. اما در رابطه با سرمایه‌گذاری غیرمستقیم اوضاع به گونه‌ای دیگر است. سرمایه‌گذار در این موارد شخصی از کشور در حال توسعه است و کشورهای توسعه‌یافته در ازای مبالغی مشخص، فناوری را در اختیار طرف مقابل می‌گذارند و از این لحاظ خطری آنها را تهدید نمی‌کند.

قسمت دوم- آثار منفی اختراع بر آلودگی کلان‌شهرها

اثر منفی نظام اختراع بر آلودگی کلان‌شهرها، از یک‌سو عام است یعنی برای همه کشورهای دنیاست و از سوی دیگر مختص کشورهای در حال توسعه و واردکننده فناوری‌های سبز می‌باشد. اثر منفی عام نظام اختراع آن است که این نظام برای ابداعاتی که جدید، دارای گام ابتکاری و کاربرد صنعتی باشند، قابلیت ثبت و حمایت انحصاری قائل است؛ موافقتنامه تریپس نیز در بند ۱ ماده ۲۷ خود، به طور عموم کلیه اختراعات در همه رشته‌های فناوری اعم از اینکه برای محیط زیست مفید یا مضر باشند یا میزان ضرر آن چقدر باشد را قابل حمایت می‌داند و این حقوق انحصاری به اضافه الزام کشورها به ثبت اختراعات، خودبه‌خود مشوق بسیاری از صاحبان صنایع در صنعتی‌تر کردن جوامع و نیز ترغیب‌کننده مخترعان در ابداع فناوری‌ها و دستگاههای صنعتی جدید می‌شود ولو اینکه کار این دستگاهها با انتشار گازهای گلخانه‌ای و دی اکسید کربن همراه باشد. ممکن است

گفته شود که موافقتنامه تریپس در بند ۲ ماده ۲۷، اختراعات مضر برای محیط زیست را از شمول ثبت اختراع استثنا کرده است با این حال، باید گفت برخلاف لسان الزام‌آور بند ۱ ماده ۲۷ که کشورها را به ثبت و حمایت کلیه اختراعات بدون تبعیض ملزم ساخته است، لسان بند ۲ اختیاری است یعنی کشورها مختارند که اختراعات مضر برای محیط زیست را ثبت کرده یا نکنند و انگهی بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای بالا نشان دادن میزان اختراعات ثبت شده در کشورشان و جلب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر، این دسته اختراعات را نیز ثبت می‌کنند.

اما اثر مخرب نظام اختراع برای کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه این است که غالب کشورهای توسعه‌یافته با استناد به حق انحصاری خود بر فناوری سبز (یا فناوری‌های منبسط با استانداردهای زیست‌محیطی)، از انتقال دانش فنی به کشورهای در حال توسعه خودداری می‌کنند. در این شرایط و با توجه به این دو اثر منفی، اتخاذ سیاست‌های مناسب از سوی سیاست‌گذاران مالکیت فکری کشورها، ضروری است که به برخی از آنها در قسمت سوم، اشاره می‌کنیم.

قسمت سوم - چند نمونه سیاست‌گذاری موفق برای تقلیل آثار منفی اختراع بر آلودگی کلان‌شهرها

برخی از این سیاست‌گذاری‌ها عبارتند از:

۱- اعمال نظارت زیست‌محیطی در مرحله قبل از اعطای ورقه اختراع

در ادارات ثبت اختراع برخی کشورها، از اعطای حمایت به اختراعات مغایر محیط زیست خودداری می‌شود برای مثال در هند، متقاضی ثبت یک اختراع علاوه بر تقدیم اظهارنامه و مدارک معمول، باید گواهی سازمان محیط زیست کشور مبنی بر انطباق اختراع با استانداردهای زیست‌محیطی را ضمیمه درخواست کند و گرنه به استناد نقص مدارک، از رسیدگی به تقاضا خودداری می‌شود. استدلال کارشناسان اداره ثبت اختراع هند نیز بر این است که حمایت از حقوق فردی مخترع نباید به منزله نادیده گرفتن منافع عمومی باشد و حمایت از محیط زیست سالم یکی از منافع بارز عمومی است.^{۴۹}

49. Estelle Derclaye, "Intellectual Property Law and Global Warming", *Marquette Intellectual Property Law Review*, Vol. 12, 2006, p. 264.

۲- استفاده از ابهام موافقتنامه تریپس در حمایت از محیط زیست سالم

کشور هند باز هم در این زمینه از جمله کشورهای موفق است. می‌دانیم که موافقتنامه تریپس در کنار الزام اعضا به حمایت از منافع فردی مخترعان، استثنائاتی را نیز وارد ساخته است و بسیاری از عبارات تریپس در این بخش عباراتی کلی و مبهم بوده و زمینه تفسیر موسع را برای کشورهای در حال توسعه فراهم ساخته است. یکی از این عبارات کلی و مبهم، ماده ۷ تریپس است که حمایت از مالکیت فکری را مشروط به «تحقق رفاه اقتصادی و اجتماعی» می‌داند. اداره ثبت اختراع هند نیز در بسیاری از موارد به استناد این عبارت، از ثبت بسیاری اختراعات خودداری ورزیده است. عبارت مبهم دیگر، بند ۲ ماده ۲۷ است که به کشورها اختیار داده است تا از ثبت و حمایت از اختراعات مغایر محیط زیست خودداری کنند. این بند، معیاری نیز برای تشخیص اینکه آیا اختراعی محیط زیست را با خطر روبه‌رو می‌سازد یا نه، بیان نداشته است.^{۵۰} کشور هند ابتدا این عبارت مبهم را در قانون ثبت اختراع خود گنجانده است زیرا برای بهره‌گیری از انعطافها و استثنائات تریپس، باید آن استثنا در قالب قانون داخلی اعضا تبلور یابد و سپس، از این ابهام استفاده کرده تا بتواند با سیاست‌گذاری‌ها خود، در راه ورود و حمایت اختراعات مضر به حال محیط زیست، مانع ایجاد کند.^{۵۱}

۳- امکان ابطال ورقه اختراع صادره

در قوانین برخی کشورها این امکان در اختیار هر ذینفع قرار داده شده است که تقاضای ابطال ورقه اختراعاتی را کند که زیانهای زیست‌محیطی آنها بعدها احراز شده‌اند. توضیح اینکه ممکن است زیانهای زیست‌محیطی برخی اختراعات، در زمان ثبت در اداره ثبت اختراع به دلایلی از جمله نبودن دانش کافی نسبت به آن فناوری مشخص نباشد و مدتی پس از تجاری شدن اختراع، این زیانها آشکار گردد. در این حالت، نظام حقوق مالکیت فکری برخی کشورها به هر ذینفعی اجازه می‌دهد تا برای حفاظت از محیط زیست سالم که حقی بشری برای او محسوب می‌شود، علیه صاحب ورقه اختراع و اداره ثبت اختراع طرح دعوا کرده و تقاضای ابطال ورقه اختراع صادره را مطرح نماید. نمونه این قضیه را در

50. J. Mandel, "A Promoting Environmental Innovation with Intellectual Property", *Journal of Science Technology and Environmental Law*, No. 24, Vol. 25, 2005, p. 51.

۵۱. محسن صادقی، «سیاست‌گذاری حقوق مالکیت فکری در هند: با رویکرد تأمین نیازهای توسعه‌ای»، مندرج در: مجموعه مقالات راجع به ابعاد حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور هند با رویکرد توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۲.

ایالات متحد آمریکا شاهدیم؛ جایی که در دهه ۱۹۵۰ به دلیل ناشناخته بودن آثار زیست‌محیطی کلرفلورکربن، این ماده شیمیایی به عنوان اختراع ثبت گردید و در زمان خود، از آن به «معجزه شیمیایی» یاد شد اما مدتی بعد، آثار زیانبار این اختراع برای انسان و به خصوص رابطه آن با شکاف لایه ازن به اثبات رسید.

۴- صدور مجوز اجباری^{۵۲} برای تولید و تکثیر فناوری‌های سبز

در مواردی که سلامت محیط زیست در معرض خطر قرار دارد و تکثیر و توزیع یک فناوری جدید منطبق با استانداردهای محیط زیست می‌تواند باعث کاهش آلاینده‌ها شود، در عین حال، صاحب فناوری از حق انحصاری خویش سوءاستفاده می‌کند یا شرایط مالی و اداری برای انعقاد قرارداد با صاحب حق جهت استفاده معمول وجود ندارد، دولت می‌تواند از مکانیزم مجوز اجباری استفاده می‌کند بدین ترتیب که با اعطای مجوز به یک نهاد دولتی، زمینه تکثیر و توزیع فناوری‌های دوستدار محیط زیست^{۵۳} را در کشور فراهم می‌سازد. صدور این مجوزها از آن رو برای کشورهای در حال توسعه دارای اهمیت ویژه است که بدانیم اولاً: نوآوری‌های حوزه فناوری که منطبق با محیط زیست بوده و از آلودگی هوا می‌کاهد، عمدتاً در انحصار سه کشور ایالات متحد آمریکا، ژاپن و آلمان قرار دارد^{۵۴} و کشورهای در حال توسعه گاه ناگزیرند برای کاهش آلودگی کلان‌شهرهای خود، از فناوری‌های سبزی استفاده کنند که تحت انحصار مطلق معدود کشورهای پیشرفته دنیاست؛ ثانیاً: امکان صدور مجوز اجباری در این موارد و تولید و تکثیر این فناوری‌ها نه تنها به منزله نقض حق مخترع نیست، بلکه با حکم کلی و روح حاکم بر ماده ۳۱ موافقتنامه تریپس^{۵۵} نیز سازگار است. توضیح اینکه ماده ۳۱ تریپس، شرایطی را مقرر داشته است که کشورها می‌توانند در آن شرایط (نظیر سوءاستفاده مخترع از حق انحصاری خویش و یا وجود بحران عمومی و بهداشتی در جامعه)، بدون لزوم به کسب اجازه از صاحب حق اختراع، مجوز اجباری را صادر کنند. این ماده هرچند صراحتاً از بحرانها و شرایط اضطراری زیست‌محیطی نامی نبرده است اما بی‌گمان، شرایط نامتعارفی که کشورهای صاحب فناوری سبز برای انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه مقرر می‌دارند و یا آلودگی‌های خطرناک موجود در کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه را می‌توان از مصادیق سوءاستفاده از حق انحصاری و نیز وجود بحران عمومی و مجرای استفاده از

52. Compulsory License

53. Climate-Friendly

54. Nitya Nanda, "Diffusion of Climate Friendly Technology: Can Compulsory Licensing Help?" *Journal of Intellectual Property Rights*, Vol. 14, May 2009, pp. 240 & 241.

55. Estelle Derclaye, *op. cit.*, p. 284.

مجوز اجباری دانست. البته باید خاطر نشان ساخت که برای استفاده از مجوز اجباری، نیاز به ظرفیتهای حداقلی در سطح داخل برای استفاده از فناوری‌های سبز خارجی است که اکثر کشورهای در حال توسعه فاقد این ظرفیت و توانایی فنی هستند، با این حال برای کشورهای دارای این حداقل توانایی، این مکانیزم می‌تواند سیاست مناسبی محسوب گردد.

۵- اعمال نظریه زوال (استیقای) حق^{۵۶} در مورد فناوری‌های سبز

برای استفاده از مزایای فناوری‌های سبز جهت کاهش آلودگی کلان‌شهرها می‌توان از نظریه زوال حق بهره گرفت. این نظریه که در مورد همه مصادیق مالکیت فکری اعمال می‌شود، در مورد فناوری‌های سبز بدین معناست که مخترع، با نخستین فروش و عرضه محصول به بازار، حق مالی خود را دریافت و آن را به طور کامل استیفا کرده است و چون اختراع برای نخستین بار و با اجازه صاحب حق به بازار عرضه شده و او حق مالی خود را دریافت داشته است، لذا دیگر نسبت به استفاده یا فروش مجدد آن کنترل نخواهد داشت. زوال حق صاحب اختراع ممکن است در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت پذیرد: در سطح ملی، عرضه فناوری به بازار داخلی کشور محل ثبت، باعث زوال حق صاحب ورقه می‌شود؛ در سطح منطقه‌ای، ورود و عرضه فناوری به بازار کشورهای یک منطقه مانند اتحادیه اروپا، این زوال را پیش می‌آورد و بالاخره، در سطح بین‌المللی، عرضه فناوری در هر یک از کشورهای جهان که قاعده مزبور را پذیرفته‌اند، برای زوال حق کافی است.^{۵۷}

برای استفاده مطلوب از نتایج نظریه زوال حق، کشورهای مختلف، سیاستهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند که به دو نمونه از آنها اشاره می‌شود: یک- در قانون ثبت اختراع برخی کشورهای در حال توسعه مانند قانون ثبت اختراع آرژانتین و تایلند، زوال حق در مفهوم کاملاً موسع آن در نظر گرفته شده است یعنی نظریه زوال حق در سطح بین‌المللی پذیرفته شده است تا با عرضه فناوری در هر یک از کشورهای جهان که قاعده مزبور را پذیرفته‌اند، زوال حق رخ دهد. در نتیجه، نخستین عرضه و فروش فناوری‌های سبز در هر کجای جهان که این قاعده را پذیرفته باشند، باعث زوال حق صاحب فناوری در آرژانتین یا تایلند می‌شود لذا ورود و فروش و عرضه این فناوری در این دو کشور تسهیل می‌گردد؛ دو- در قانون مالکیت فکری فرانسه و قانون ثبت اختراع بلژیک، قانونگذار علاوه بر آنکه زوال حق در سطح منطقه‌ای را پذیرفته است، تصریح نموده که اگر صاحب حق اختراع، به عنوان شرط قراردادی قید کند که حق انحصاری او بعد از نخستین فروش و عرضه فناوری به

56. Exhaustion of Rights Doctrine

57. Daniel Gervais, *The TRIPS Agreement*, London: Sweet & Maxwell, 1998, p. 60.

بازار همچنان حفظ شود، این شرط باطل و کأن لم یکن تلقی می‌شود و همین حکم در مورد فناوری‌های سبز نیز مُجرا است.

بند دو- اثر قالب اسرار تجاری بر آلودگی کلان‌شهرها

اسرار تجاری، به دانش فنی محرمانه و اطلاعات مفید در امر تجاری اطلاق می‌شود که برای اجرای فعالیتهای صنعتی خاص و یا برای گسترش فنون سودمند یک هدف صنعتی ضرورت دارند و باید از طریق اتخاذ اقدامات متعارف، محرمانه نگهداری شوند.^{۵۸} پنهان نمودن اطلاعات مهم در تجارت یکی از راههای کسب و حفظ مزیت رقابتی توسط شرکتهای تجاری می‌باشد و نظام اسرار تجاری نیز با حمایت از این اهداف و جلوگیری از دسترسی غیرمجاز به اطلاعات پنهانی توسط جاسوسی تجاری و یا راههای دیگر به حفظ این اطلاعات در دست صاحبان آن کمک می‌رساند. نظام حمایت از اسرار تجاری را در واقع می‌توان مکمل نظام حق اختراع دانست.^{۵۹} چه بسیارند شرکتهای تجاری که به جای استفاده از قالب حمایتی حق اختراع و به منظور حفظ طولانی‌تر فناوری در انحصار خود آن را در قالب اسرار تجاری قرار می‌دهند. در قراردادهای انتقال فناوری که معمولاً از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود، فناوری‌های موضوع انتقال معمولاً مجموعه‌ای از حقوق اختراع، اسرار فنی، اطلاعات محرمانه و دستگاههای لازم می‌باشد.^{۶۰} تمامی موارد مذکور با هم بسته‌ای را تشکیل می‌دهند که به صورت مجموعه‌ای قیمت‌گذاری شده و منتقل می‌گردند و در حقیقت، بخشی از فناوری انتقال‌یافته شامل اسرار تجاری نیز می‌باشد. قالب اسرار تجاری نیز دارای آثار مثبت و منفی بر آلودگی کلان‌شهرهاست. در ادامه این دو را در قالب دو قسمت اول و دوم بررسی کرده و در قسمت سوم به برخی سیاست‌گذاری‌های موفق اشاره می‌کنیم.

قسمت نخست- آثار مثبت اسرار تجاری بر کاهش آلودگی کلان‌شهرها

حمایت از اسرار تجاری موجب جلوگیری از دسترسی و افشای غیرمجاز اسرار تجاری بوده و از این طریق می‌تواند مشوق تولید کنندگان فناوری‌های سبز باشد که نمی‌خواهند و

۵۸. محسن صادقی، «مطالعه تطبیقی تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعاوی حقوقی نقض اسرار تجاری در فضای دیجیتال»، مجله حقوق تطبیقی مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ش ۳ (دوره جدید)، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
 ۵۹. برای مطالعه بیشتر، نک: محمود باقری و مریم گودرزی، «مقایسه نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۱، بهار ۱۳۸۸، صص ۶۲-۴۱.
 60. WIPO, *op. cit.*, p. 46.

یا نمی‌توانند از نظام حق اختراع که موجب افشای اطلاعات و مدت زمانی حمایتی محدود می‌شود^{۶۱} استفاده نمایند. این مشوق، صاحبان اسرار تجاری را بدین امر ترغیب می‌کند که فناوری سبز خود را به کشورهای در حال توسعه منتقل کرده و ضمن حفظ دانش فنی راجع به آن فناوری، اهالی کلان‌شهرهای کشور میزبان را از مزایای زیست‌محیطی فناوری خود بهره‌مند سازند.

قسمت دوم- آثار منفی اسرار تجاری بر کاهش آلودگی کلان‌شهرها

یک- این قالب برای آن دسته از صاحبان فناوری خوب است که خود بتوانند ابداعشان را به مرحله تولید برسانند زیرا اکثریت قریب به اتفاق آنها برای تجاری‌سازی محصول نیازمند کمک‌های دولتی یا خصوصی هستند و همین نیاز به تدریج زمینه دسترسی افراد را به سر و افشای آن فراهم می‌سازد؛ بنابراین نیاز اقتصادی ابداع‌کنندگان خصوصاً در اقتصاد امروز باعث شده است تا قالب اسرار تجاری در جهان اقتصادی کنونی که تجاری‌سازی ابداعات اهمیت فراوانی یافته است، چندان کاربردی نداشته باشد. به راستی بسیار اندکند کسانی که خود ابداع‌کننده فناوری سبز و در عین حال، دارای توان و ظرفیت اقتصادی تولید و تجاری‌سازی آن باشند تا بتوانند اسرار را همچنان از دسترس غیر دور نگه دارند. رواج قالب اسرار تجاری برای حمایت از فناوری‌های سبز، بر روند ابداع فناوری‌های جدید و مفید برای محیط زیست نیز اثر منفی گذارده و تعداد آنها را کاهش می‌دهد زیرا بسیاری از ابداعات جدید بر اساس تکمیل ابداعات ثبت شده موجود است که این امر در نتیجه افشای اطلاعات ساخت و ترکیبات فناوری‌های ثبت شده و یا ورود آن به حوزه عمومی حاصل شده و به ارتقای دانش ساخت فناوری‌های جدید و ارتقای سطح محیط زیست کمک کرده است؛ نتیجه مطلوبی که در صورت سر باقی ماندن فناوری، غیرممکن یا بسیار مشکل می‌شود.

دو- انتخاب قالب اسرار تجاری برای حمایت از فناوری سبز دارای آثار اقتصادی نامطلوبی برای کشورهای در حال توسعه خواهد داشت زیرا برای کشورهایی که فاقد ظرفیت تولید این فناوری هستند، قالب اسرار تجاری مانعی جدی برای انتقال فناوری سبز به این کشورهاست خصوصاً اینکه حمایت از سر تجاری محدود به مدت زمانی خاصی نیست تا به امید انقضای مدت حمایت انحصاری و ورود فناوری سبز به حوزه عمومی بنشینیم؛ برای کشورهای در حال توسعه‌ای هم که دارای ظرفیت تولید فناوری مفید هستند،

۶۱. مدت معمول حمایت از حق اختراع، بیست سال از تاریخ تقدیم اظهارنامه به اداره ثبت اختراع می‌باشد.

قالب اسرار تجاری با توجه به ساختار و ویژگی‌های خاصش به ویژه نامحدود بودن زمان حمایت، از تعداد فناوری‌هایی که وارد حوزه عمومی می‌شوند خواهد کاست؛ ضمن آنکه سر ماندن شیوه ساخت دارو و جلوگیری از افشای آن، می‌تواند مانعی برای حضور شرکتهای داروسازی رقیب در بازار شده و قدرت صاحب سر را برای انحصاری کردن تولید دارو و در نتیجه، تعیین قیمت دارو به نحو قابل توجهی و بیش از قالبهای دیگر افزایش می‌دهد.

قسمت سوم- چند نمونه سیاست‌گذاری موفق برای تقلیل آثار منفی اسرار تجاری بر آلودگی کلان‌شهرها

از مهم‌ترین سیاستهای موفق در این زمینه، سیاست پیش‌بینی و صدور مجوز اجباری است یعنی در مواردی که صاحب فناوری سبز، از حق انحصاری خود بر فناوری سوءاستفاده کرده و یا شرایط کلان‌شهر از حیث میزان آلودگی هوا در وضعیت بحرانی است و صاحب فناوری به رغم وجود شرایط متعارف، حاضر به تجاری‌سازی فناوری مفید خود نیست، دولت می‌تواند با دادن مجوز به یکی از دستگاههای دولتی صالح، زمینه تولید و تکثیر فناوری سبز را فراهم سازد. آنچه گفتیم با مبحث مربوط به حق اختراع تفاوتی ندارد با اینحال سؤال کلیدی در اینجا مطرح می‌شود که چگونه می‌توان نهاد مجوز اجباری را در مورد قالب اسرار تجاری در نظر گرفت. ایراد از اینجا ناشی می‌شود که در قالب اختراع بعد از صدور مجوز اجباری در صورتی که صاحب حق از سوءاستفاده دست بردارد یا شرایط بحرانی زیست‌محیطی پایان پذیرد، شرایط حمایت انحصاری از صاحب حق به حالت عادی باز می‌گردد اما در قالب اسرار تجاری بعد از صدور مجوز اجباری و تولید و تکثیر فناوری سبز، دیگر سر تجاری باقی نمی‌ماند؛ به تعبیر دیگر، افشا با سر بودن منافات دارد یعنی اسرار تجاری تنها زمانی مورد حمایت و سودمند هستند که سری باقی مانده و وارد حوزه عموم نشوند. بنابراین اگر صاحب سر تجاری دست از سوءاستفاده بردارد یا شرایط بحرانی پشت سر گذاشته شود، دیگر سر افشا شده و شرایط حمایت انحصاری از صاحب سر به حالت پیشین باز نمی‌گردد. در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت: اولاً؛ در قوانین اسرار تجاری برخی کشورهای در حال توسعه نظیر ماده ۵ قانون اسرار تجاری کشور قطر مصوب سال ۲۰۰۵، نهاد مجوز اجباری پیش‌بینی شده است؛^{۶۲} بنابراین نمی‌توان وجود این

۶۲. برای نمونه، قانون اسرار تجاری قطر در ماده ۵ خود امکان صدور مجوز اجباری در مورد اسرار تجاری را

پیش‌بینی کرده است. نک:

“Protection of Secrets of Trade”, 2005, available at: http://www.wipo.int/wipolex/en/text.jsp?file_id=129464; last visited: 13/10/2010

نهاد را در قالب اسرار تجاری یکسره انکار کرد؛ ثانیاً: زمانی که صاحب سر تجاری با وجود شرایط متعارف و نیاز جامعه، از افشای سر خودداری کرده و به نوعی از حق انحصاری خود سوءاستفاده می‌کند، دیگر حقی برای او باقی نیست که مشمول حمایت باشد؛ به تعبیر دیگر، حق تا جایی قابل حمایت است که مورد استفاده درست و قانونی قرار گیرد نه آنکه از آن سوءاستفاده شود؛ ثالثاً: افشای سر تجاری زمانی محقق می‌شود که سر برای تعداد نامتعارفی افشا گردد بنابراین دولت می‌تواند در زمان صدور مجوز اجباری، دستگاه دولتی ذیصلاح را مکلف کند که با صاحب سر تجاری قرارداد عدم افشا (NDA)^{۶۳} منعقد کند و به موجب آن متعهد شود که تنها به تولید و تکثیر فناوری سبز مبادرت ورزیده و سر تجاری راجع به نحوه استفاده از آن را همچنان به صورت سر باقی بگذارد و در صورت افشای غیرمجاز آن، در برابر صاحب سر مسؤول باشد.

بند سه - اثر قالب علامت تجاری بر آلودگی کلان‌شهرها

علامت تجاری یعنی هر نشان قابل رویتی که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد.^{۶۴} علامت تجاری از آن رو که با حقوق مصرف‌کننده در ارتباط است، می‌تواند در کاهش آلودگی کلان‌شهرها مؤثر باشد. توضیح اینکه در بازار عرضه و فروش محصولات و فناوری‌های مختلف، برخی محصولات دارای استانداردهای زیست‌محیطی بوده و برخی فاقد این استاندارد هستند. در این میان، برخی تولیدکنندگان برای فریب دادن مشتریان، علائم جعلی را بر محصول خود قرار می‌دهند و مصرف‌کننده را دچار این گمراهی می‌کنند که محصول با استانداردهای زیست‌محیطی سازگار است. برای کاهش این مشکل، نظام حمایت از علامت تجاری می‌توان نظام مناسبی باشد زیرا این نظام از صاحبان علامت تجاری واقعی حمایت کرده و مصرف‌کنندگان با اتکا کردن نسبت به این علامت، به سراغ خرید و مصرف فناوری و محصولی می‌روند که دارای علامت تجاری خاص بوده و در تولید آن، استانداردهای زیست‌محیطی رعایت شده است. بنابراین، حمایت مناسب از علائم تجاری هم باعث گسترش فرهنگ استفاده از فناوری‌های استاندارد می‌شود و هم تولیدکنندگان و فروشندگان موجود در بازار را به این سمت سوق می‌دهد که برای بقا در بازار رقابتی و از دست ندادن مشتریان، خود به تولید و توزیع فناوری‌های سبز و محصولات سالم و سازگار با محیط زیست مبادرت ورزند و این هر دو،

63. Non-Disclosure Agreement

۶۴. بند الف ماده ۳۰ قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری ایران مصوب ۱۳۸۶

در کاهش آلودگی‌های کلان‌شهرها نقشی بسزا خواهند داشت.^{۶۵} برعکس نبود نظام حمایت از صاحبان علائم تجاری، تولیدکنندگان محصولات استاندارد را بی‌انگیزه می‌کند زیرا به رغم صرف هزینه و وقت بسیار برای تولید و فروش محصولات استاندارد، شاهد این هستند که رقبایشان با جعل علامت بر روی محصولات آلاینده، مشتری را دچار گمراهی ساخته و حمایت قانونی مؤثری نیز از صاحبان علائم واقعی در برابر تولیدکنندگان محصولات تقلبی صورت نمی‌پذیرد. بی‌تردید، افزایش تولید و توزیع محصولات آلاینده در جامعه خود به تشدید آلودگی کلان‌شهر منتهی خواهد شد.

بند چهار- اثر قالب رقابت مکارانه (غیرمنصفانه) بر آلودگی کلان‌شهرها

مطابق بند ۲ ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس^{۶۶}، رقابت مکارانه (غیرمنصفانه) به هر عمل رقابتی اطلاق می‌شود که مغایر با عملیات صادقانه و شرافتمندانه در امور تجاری و یا صنعتی است. بند ۳ ماده ۱۰ نیز که با لسانی تمثیلی، اعمالی را به عنوان مصادیق بارز این نوع رقابت معرفی کرده است که عبارتند از: هر عملی که به نحوی از انحاء، با مؤسسه، کالاها یا فعالیتهای صنعتی یا تجاری رقیب ایجاد اشتباه نماید، و یا ادعاهای خلاف واقع در جریان تجارت به نحوی که اعتبار مؤسسه، کالاها یا فعالیتهای صنعتی و تجاری را از بین ببرد و یا نشانه‌ها و اظهاراتی که استفاده از آنها در جریان تجارت می‌تواند باعث گمراهی (اشتباه) عامه راجع به ماهیت یا طرز ساخت، ویژگی‌های کالا، قابلیت استعمال کالا یا کمیت آن گردد، بالاخص در زمره رقابت نامشروع محسوب می‌گردند.

بر اساس موارد مذکور در کنوانسیون پاریس به خصوص مورد اخیر باید گفت که اگر شرکتی با قرار دادن علامتها و جملاتی مبهم نظیر «دوستدار محیط زیست»، «ضد آلودگی»، «سازگار با محیط زیست» و... بر روی کالاهای خود این تصور را در مصرف‌کننده ایجاد کند که کالای مذکور از نظر طرز ساخت و کیفیت، ویژگی‌های یک محصول سازگار با محیط زیست و غیرآلوده‌کننده را دارد، مرتکب رقابت غیرمنصفانه شده است^{۶۷} زیرا به جای بهره‌گیری از تلاش صادقانه و منصفانه جهت موفقیت در بازار رقابت، تقاضای مصرف‌کنندگان را با رقابت غیرمنصفانه و اظهارات خلاف تحت تأثیر قرار داده است. در این حالت نظام مالکیت فکری از طریق قالب حمایت در برابر رقابت غیرمنصفانه، می‌تواند مانع ادامه تولید و توزیع کالاهای تقلبی فوق شده و ضمن حمایت از رقابت منصفانه سایر

65. WIPO, *op. cit.*, p. 34.

66. متن تجدیدنظر شده کنوانسیون در استکهلم ۱۹۶۷

67. WIPO, "Climate Change and Intellectual Property System: What Challenges, What Options, What Solutions?", *op. cit.*, p. 36.

رقبای موجود در بازار، به طور غیرمستقیم در کاهش آلاینده‌های هوا مؤثر باشد. در مثال فوق، کارکرد قالب حمایت در برابر رقابت مکارانه، بسیار مشابه قالب علامت تجاری به نظر می‌رسد لذا ممکن است برای خواننده نکته‌سنج این پرسش مطرح شود که با وجود قالبی مانند نظام علامت تجاری، اساساً چه نیازی به قالب مورد بحث است؟ در پاسخ باید گفت اگر در کشوری، محصول یا علامتی در قالب اختراع یا علامت تجاری مورد حمایت بوده و برای نقض‌کننده حق نیز ضمانت اجرایی کیفری و مدنی مقرر شده باشد، قالب حمایت در برابر رقابت غیرمنصفانه قابل استفاده نخواهد بود؛ بنابراین قالب حمایت در برابر رقابت مکارانه، یک نظام حمایتی مکمل برای صاحبان اموال فکری است و زمانی قابل استناد و استفاده است که در یک کشور هنوز نظام مالکیت فکری به رسمیت شناخته نشده یا اینکه به رغم وجود این نظام حمایتی، نمی‌توان از یک محصول یا فناوری در سایر قالبهای مالکیت فکری مثل اختراع یا علامت تجاری حمایت کرد یا حمایت مقرر در سایر قالبها، کافی و مناسب به نظر نرسند. فرض کنید یک فناوری یا محصول هنوز به ثبت نرسیده است، در اینجا قالب اختراع قابل استفاده نیست زیرا شرط حمایت از ابداع، ثبت آن است بنابراین می‌توان تا قبل از ثبت، نظام حمایت در برابر رقابت غیرمنصفانه را به عنوان یک قالب جایگزین اعمال کرد.^{۶۸} در مثال سابق نیز، تولیدکننده محصول آلاینده، با درج عبارتی نظیر دوستدار محیط زیست، علامت تجاری هیچ رقیبی را نقض نکرده است تا مشمول مقررات علامت تجاری باشد بلکه چون با دادن اطلاعاتی غلط، باعث گمراهی مصرف‌کنندگان شده است در اینجا هم می‌توان از قالب حمایت در برابر رقابت مکارانه استفاده کرد.^{۶۹} از این توضیح مشخص می‌شود که در مواردی که قالبی مانند علامت تجاری نمی‌تواند در برابر توزیع محصولات آلاینده مؤثر باشد، قالب حمایت در برابر رقابت مکارانه، نقش خود را در حمایت از محیط زیست سالم ایفا می‌کند.

با عنایت به اهمیت این قالب و الزامی که کنوانسیون پاریس در حمایت از صاحبان مالکیت‌های صنعتی در برابر رقابت غیرمنصفانه مقرر داشته است (بند ۱ ماده ۱۰ مکرر)، برخی کشورها خصوصاً کشورهایی که به اقتصاد باز روی آورده‌اند، آن را مورد استفاده قرار داده‌اند؛ با این حال، چون اعمال این قالب نیازمند وجود قوانین مخصوص نیست و می‌توان بر اساس قوانین عام و اصول کلی حقوقی نیز از آن بهره برد، لذا مستند حقوقی

۶۸. چرا که یکی از شرایط اساسی برای حمایت از یک اختراع، ثبت آن در مرجع ذیصلاح است.

۶۹. برای مطالعه بیشتر درباره فلسفه وضع قالب حمایت در برابر رقابت مکارانه، نک: محسن صادقی، حمایت

از ابداعات دارویی و الحاق به سازمان تجارت جهانی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷، صص ۲۴۱ به بعد؛ و همچنین

Anelm Kamperman Sanders, *Unfair Competition Law, The Protection of Intellectual Industrial Creativity*, Oxford: Clarendon Press, 1997.

کشورها برای استفاده از این قالب، با یکدیگر متفاوت است بدین ترتیب که در برخی کشورها علاوه بر قوانین مستقل راجع به ثبت اختراعات یا علامت تجاری، قانون خاصی راجع به حمایت در برابر رقابتهای غیرمنصفانه وجود دارد. از نمونه این کشورها می‌توان به قانون رقابت غیرمنصفانه آلمان (۱۹۰۹)، سوییس (۱۹۸۶) و اسپانیا (۱۹۹۱) اشاره کرد. اما دسته دیگر، کشورهایی هستند که در آنها قانون خاصی در مورد حمایت در برابر رقابت غیرمنصفانه وجود ندارد و با استفاده از اصول کلی حقوقی یا قوانین عام، این خلأ جبران شده است. نمونه بارز این کشورها، فرانسه است. در این کشور قانون مستقلی راجع به حمایت در برابر رقابت غیرمنصفانه وجود ندارد اما دادگاههای این کشور در مورد اختراعات، شخصی را که به رقابت غیرمنصفانه دست زده و به صاحب حق اختراع، خسارت وارد ساخته بود، طبق قاعده کلی لزوم جبران زیان وارد-مندرج در ماده ۱۳۸۲-L قانون مدنی این کشور^{۷۰} - به جبران خسارت محکوم کرده‌اند. همچنین قانون اطلاعات مصرف‌کننده مصوب سال ۱۹۸۹، ارائه اطلاعات و آگهی‌های گمراه‌کننده راجع به یک فرآورده را که باعث گمراهی مصرف‌کننده بشود را از مصادیق رقابت غیرمنصفانه دانسته و آن را منع نموده است که اطلاق آن شامل اطلاعات گمراه‌کننده راجع به طرز ساخت یا ویژگی یک محصول از نظر داشتن استانداردهای زیست‌محیطی نیز می‌شود. نکته مهم در اینجا آن است که چون در فرانسه مسؤلیت مدنی مبتنی بر اصل تقصیر است لذا تقصیر خواننده دعوا باید اثبات شود اما به منظور تسهیل کار صاحب حق دادگاهها تقصیر مرتکب را مفروض گرفته‌اند و اوست که باید بی‌تقصیری خود را اثبات نماید تا از بار مسؤلیت برهد.

نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاست‌گذاری

از آنچه در این مقاله آمد، این نتیجه حاصل شد که میان حقوق مالکیت فکری و آلودگی کلان‌شهرها، پیوند وجود دارد و این پیوند در یکی دو دهه اخیر تشدید شده است. نظام حقوق مالکیت فکری در بسیاری زمینه‌ها می‌تواند با ایجاد انگیزه در مبتکران، زمینه ابداع فناوری‌های سبز یا محصولات مبتنی بر استانداردهای زیست‌محیطی را فراهم ساخته، سرمایه‌گذاران خارجی را به انتقال فناوری‌های مزبور به کشورهای در حال توسعه ترغیب نماید و از این حیث، اثر مثبت بر کاهش آلودگی کلان‌شهرها دارد. اما از آنجا که این نظام، اعطاکننده یک سلسله حقوق انحصاری به صاحبان فناوری سبز بوده و در حال حاضر نیز

۷۰. ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه: «هر عملی که سبب خسارت به دیگری شود، انجام‌دهنده‌ای را که در

ارتکاب آن مرتکب تقصیر شده است ملزم به جبران خسارت می‌کند.»

چند کشور توسعه یافته، انحصار تولید و توزیع این قبیل فناوری‌ها را در اختیار دارند، لذا نظام مالکیت فکری از جهاتی در تشدید آلودگی کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه اثر مستقیم داشته است. در این قبیل موارد برخی کشورهای در حال توسعه نظیر هند، سیاست‌گذاری‌های مناسبی را برای تقلیل این اثر منفی در پیش گرفته‌اند که در مقاله بدانها پرداختیم. بر اساس بررسی‌ها و مطالعات تطبیقی انجام شده در مقاله، توصیه‌های سیاستی زیر به قانونگذار، سیاست‌گذاران و دستگاههای اجرایی مالکیت فکری در ایران پیشنهاد می‌گردد:

یک- در حوزه اختراع

۱- اداره ثبت اختراعات ایران باید در کنار مدارک لازم برای ثبت اختراع، گواهی برخورداری از استانداردهای زیست‌محیطی را نیز از متقاضی ثبت مطالبه کند و از ثبت اختراعات مضر که باعث آلودگی هوا می‌شود خودداری کند. با توجه به اینکه بسیاری از دستگاهها و ماشین‌آلات و به‌طورکلی اختراعات در ایران، دارای درصدی آلودگی زیست‌محیطی هستند، اداره ثبت اختراعات می‌تواند از رویکرد هزینه‌فایده استفاده کند یعنی تنها از ثبت اختراعاتی خودداری ورزد که هزینه‌های زیست‌محیطی ثبت آن، بیش از منافع آن باشد.

۲- در قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، صراحتاً ثبت اختراعات مضر برای محیط زیست منع شود.

۳- در مورد اختراعاتی که در زمان ثبت، امکان تشخیص زیانهای زیست‌محیطی آن میسر نبوده و بعدها در عمل احراز می‌گردد، امکان ابطال ورقه اختراع توسط هر ذینفع تصریح شود زیرا در حال حاضر از موارد ابطال ورقه اختراع مندرج در قانون ۱۳۸۶، چنین امکانی استنباط نمی‌شود.

۴- سیاست صدور مجوز اجباری مورد نظر خاص سیاست‌گذاران کشور قرار داشته باشد خصوصاً آنکه بستر قانونی این سیاست در ماده ۱۷ قانون ۱۳۸۶ وجود دارد؛ همچنین در مواردی که امکان صدور مجوز اجباری وجود ندارد، قانون، انتقال و توزیع فناوری‌های مضر برای محیط زیست توسط دستگاههای دولتی یا غیردولتی را ممنوع کند.

۵- هرچند نظریه زوال حق در قانون ۱۳۸۶ بر خلاف قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ پذیرفته شده است با اینحال قانونگذار به خوبی از انعطاف تریپس استفاده نکرده و نظریه زوال حق را تنها در سطح داخلی پذیرفته است، یعنی تنها زمانی می‌توان از این نظریه در مورد فناوری‌های سبز بهره برد که فناوری برای نخستین بار در ایران عرضه شده باشد. لذا توصیه می‌شود قانون در این قسمت اصلاح شده و نظریه زوال حق در

سطح بین‌المللی جایگزین زوال حق در سطح داخلی گردد. مفهوم این اصلاح آن است که نخستین عرضه و فروش فناوری‌های سبز در هر کجای جهان که این قاعده را پذیرفته باشند، باعث زوال حق صاحب فناوری در ایران می‌شود لذا ورود و فروش و عرضه این فناوری در ایران تسهیل می‌گردد. پیشنهاد دیگر به قانونگذار این است که در قانون تصریح شود حتی اگر صاحب حق اختراع، به عنوان شرط قراردادی قید کند که حق انحصاری او بعد از نخستین فروش و عرضه فناوری به بازار همچنان حفظ شود، این شرط باطل و کالعدم تلقی می‌شود.

دو- در حوزه اسرار تجاری

امکان صدور مجوز اجباری برای تولید و توزیع فناوری‌های سبز که صاحبان آنها، استفاده از فناوری را به صورت سر تجاری باقی گذارده‌اند، تصریح شود. اما از آنجا که صدور مجوز اجباری امری استثنایی و نیازمند نص قانونی است لذا قانونگذار ما باید با وضع قانون خاص اسرار تجاری، مقوله مجوز اجباری را صراحتاً پیش‌بینی کند تا منافع عموم در زمینه برخورداری از محیط زیست سالم تأمین گردد. همچنین برای حمایت از صاحبان اسرار تجاری و حفظ منافع آنها، دولت باید ضمن صدور مجوز اجباری به نام یک دستگاه دولتی، او را به امضای قرارداد عدم افشا با صاحب سر تجاری ملزم سازد تا اطلاعات و دانش فنی راجع به فناوری سبز پس از استفاده از فناوری همچنان در اختیار صاحب سر باقی بماند.

سه- در حوزه مقابله با رقابت مکارانه

هرچند حقوق ایران دارای مقررات مناسبی در زمینه حمایت از صاحبان علائم تجاری است، اما از آنجا که در برخی فروض مانند فرض مطرح در مقاله، امکان استناد به این قالب برای توقیف محصولات آلاینده وجود ندارد، توصیه می‌شود قانون خاص حمایت در برابر رقابت مکارانه در کشور به تصویب برسد. ممکن است ایراد شود که با وجود برخی مقررات در حقوق ما، نیازی به قانون خاص نداریم با اینحال مقررات موجود هیچیک به طور کامل، نیاز ما را به داشتن قانونی خاص مرتفع نمی‌سازد زیرا ۱- هرچند ماده ۲۴۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ اصلاحی ۱۳۵۰ برای مرتکب رقابت مکارانه مجازات مقرر داشته بود با اینحال، این قانون به دلیل نسخ کامل، امروزه قابل استناد نیست^{۷۱}؛ ۲- اگر چه

۷۱. به رغم وجود اختلاف نظر در میان اساتید و محققان حقوق جزا، نظر غالب بر این است که این قانون نسخ

ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ از رقابتهای مشروع در بستر مبادلات الکترونیکی حمایت کرده است.^{۷۲} اما این قانون خاص محیط الکترونیکی بوده و چون دارای ضمانت اجرای کیفری است نمی‌توان به استناد اصل قانونی بودن جرم و مجازات، ضمانت اجرای آن را به محیط فیزیکی نیز تعمیم داد؛^{۳-۲} با وجود اینکه ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ هر مقصر را مسؤول جبران خسارت ناشی از تقصیر عمدی و غیرعمدی دانسته است، اما این ماده مختص ضمانت اجرای مدنی است و انگهی مسؤولیت مدنی مقرر در آن، مبتنی بر تقصیر است لذا صاحب حق باید تقصیر خواننده را اثبات کند و گرنه در دعوی مسؤولیت شکست خواهد خورد، ضمن آنکه تمهیدی که در حقوق برخی کشورها مانند فرانسه اندیشیده شده است (فرض تقصیر برای خواننده) در ایران پیش‌بینی نشده است. بر این اساس، وجود قانون خاص می‌تواند بسیاری از این خلاها و ایرادات را مرتفع سازد به خصوص آنکه بند ۱ ماده ۱۰ قانون الحاق ایران به اتحادیه عمومی پاریس مصوب ۱۳۳۷، ایران را ملزم به حمایت از دارندگان مالکیت‌های صنعتی در برابر رقابت مکارانه (غیرمنصفانه) یا رقابت کرده است، اما قانونگذار ما تاکنون مقررات یا نظام اجرایی خاصی در این زمینه وضع و طراحی نکرده است.

فهرست منابع

- اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- امیدبخش، اسفندیار، «از موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت تا سازمان جهانی تجارت»، مندرج در مجموعه: سازمان جهانی تجارت: ساختار، قواعد و موافقتنامه‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۵.
- باقری، محمود و مریم گودرزی، «مقایسه نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۱، بهار ۱۳۸۸.
- بهکیش، محمدمهدی، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- خور، مارتین، جهانی شدن و جنوب، برخی مباحث انتقادی، ترجمه احمد ساعتی، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۳.
- زمانی، سیدقاسم، «اجلاس کپنهاگ (۲۰۰۹) و ضرورت مقابله با تغییرات آب و هوایی»، مجله

کامل شده است.

۷۲. این ماده اشعار می‌دارد: «به منظور حمایت از رقابتهای مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها و مؤسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید.»

- پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- صادقی یارندی، سیف‌الله و مسعود طارم‌سری، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵.
- صادقی، محسن، «سیاست‌گذاری حقوق مالکیت فکری در هند: با رویکرد تأمین نیازهای توسعه‌ای»، مندرج در: مجموعه مقالات راجع به ابعاد حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور هند با رویکرد توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- صادقی، محسن، «مطالعه تطبیقی تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعاوی حقوقی نقض اسرار تجاری در فضای دیجیتال»، مجله حقوق تطبیقی مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ش ۳، (دوره جدید)، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
- عبداللهی، محسن، «تغییرات آب و هوایی: تأملی بر راهبردها و تدابیر حقوقی سازمان ملل متحد»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۱، بهار ۱۳۸۹.
- Acocella, Nicola, *Economic Policy in the Age Globalization*, Cambridge: Cambridge University Press, 2005.
- Correa, Carlos M. and Abdulgawi A. Yusuf, *Intellectual Property and International Trade- the TRIPS Agreement*, Kluwer Law International, 1998.
- Derclaye, Estelle, "Intellectual Property Law and Global Warming", *Marquette Intellectual Property Law Review*, Vol. 12, 2006.
- Dernbach, John C. and Seema M. Kakade, "Climate Change Law: An Introduction", *Energy Law Journal*, No. 1, 2008.
- Gervais, Daniel, *The TRIPS Agreement*, London: Sweet & Maxwell, 1998.
- Hutchison, Cameron, "Does TRIPS Facilitate or Impede Climate Change Technology Transfer into Developing Countries?", *University of Ottawa Law & Technology Journal*, Vol. 3, 2006.
- International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD), *Climate Change, Technology Transfer and Intellectual Property Rights*, Canada, International Institute for Sustainable Development, 2008.
- Khor, Martin, *The WTO's Doha Negotiation and Impasse: A Development Perspective*, Paper Presented in Iran, Tehran, Institute for Studies and Trade, November 2006.
- Kyoto Protocol, available at: <http://unfccc.int/resource/docs/convkp/kpeng.html>; last visited: 13/10/2010.
- Mandel, J., "A Promoting Environmental Innovation with Intellectual Property", *Journal of Science Technology and Environmental Law*, No. 24, Vol. 25, 2005.
- Maniere, Yann, *Invention and Transfer Climate Change Mitigation Technology: A Study Drawing on Patent*, Available at: www.cerna.ensamp/mdex.option. Last visited: 07/10/2010.
- Maskus, Keith E., "The Role of Intellectual Property Rights in Encouraging Foreign Direct Investment and Technology Transfer", in: *Intellectual Property and Development*, Edited by: Castren Fink and Keith E. Maskus, Washington: World Bank, 2005.
- Nanda, Nitya, "Diffusion of Climate Friendly Technology; Can Compulsory Licensing Help?", *Journal of Intellectual Property Rights*, Vol. 14, May 2009.
- Protection of Secrets of Trade, 2005, available at: <http://www.wipo.int/wipolex/en/text.jsp?fileid=129464>; last visited: 13/10/2010.
- Scotchmer, Suzanne, *Innovation and Incentives*, England: The MIT Press, 2004.
- United Nations Framework Convention on Climate Change, available at: <http://unfccc.int/resource/docs/convkp/conveng.pdf>; last visited: 13/10/2010.
- WIPO, *Climate Change and Intellectual Property System: What Challenges, What options, What Solutions an Outline of the Issues*, available at: http://www.wipo.int/export/sites/www/patentscope/en/lifesciences/pdf/ip_climate.pdf; last visited 13/10/2010
- WIPO, *WIPO Intellectual Property Handbook: Policy, Law and Use*, 2nd ed, Geneva: WIPO Publication, 2004.

JOURNAL OF

LEGAL RESEARCH

VOL. IX, No. 2

2010-2

Articles

- Reflections on Effective Criminal Convictions and their Consequences
- The Right to Defense of Accused in Administrative Contravention Settlement Board
- Determination of Defendant
- Legal Analyses of Medical Protections of Social Security Organization

**Special Issue: Citizens Right to Healthy Environment:
Pollution of Iranian Large Cities**

- Sustainability of Urban Freight and Decreasing of Air Pollution: Environmental Ideal of Large Cities
- The Commitment to International Co-operation Countering Haze to Iran
- Deal with Electromagnetic Waves Pollutions in Metropolises
- Tehran Air Pollution and Citizen Rights on Healthy Environment
- The Effect of Intellectual Property Rights System on Metropolis Pollution
- Public Interest Litigation Concerning Environmental Matters before Human Rights Courts and National Courts
- The Right To Healthy Environment as a Hostage of Global Warming: Cancun Conference (2010)
- Right to a Healthy Environment in French Legal System

Critique and Presentation

- Economic Interest Grouping in the Fifth Development Plan

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study